

رسول پویان

مرگ دل

نرخ انسان در وطن ارزانتر از شلغم بود
پیش جلادان بهایش کمتر از درهم بود
آن که در آدمکشی خو کرده با قلب سیاه
گر هزاری کشته گردد باز گوید کم بود
گه به تیغ کینه از تن می کند سرا را جدا
گه به بمب و انتحاری در وطن ماتم بود
می ریابد نوجوانان فقیر از راه عام
بر سر اقوام میهن خنجر دودم بود
زیر فرمان ریال و دالر و کلدار دون
دی طالب بود و حالا داعش تورخم بود
آری آری با خر دجال دارد وعده ها
ارتباطش با بلای اهرمن محکم بود
کله از دیو است و دندانها زگرگان شرور
دشمن صلح و صفا در خطه رستم بود
تیغ مذهب می کشد بر ضد علم و معرفت
جنگ با نور خدا و مهر جام جم بود
می کند با نقشه بنیاد تمدن را خراب
این نه کار جاهلان، بل فتنه پیهم بود
گر دهد میراث پربار تمدن را به باد
نه صفای عشق و دوستی نه دل بیغم بود
از دل سرد رباطین کی برآید نور عشق
روزگار مرگ دل در سینه آدم بود

باده خيام و شور مولوی از یاد رفت
قند حافظ بر لب بنگاله گویی سم بود
تا بلای شیشه و افیون باب روز گشت
هرطرف بینی بساط بزم دود و دم بود
هان به زیرکاسه دشمن بود نیمکاسه ها
چشم دل بگشا که طرح اجنبی مبهم بود

2015/3/3